

« وَ مَنْ عَظَّمَ صَاحِبَ دُنْيَا وَ أَحَبَّهُ لَطَمَعَ دُنْيَاهُ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ كَانَ فِي دَرَجَتِهِ مَعَ قَارُونَ فِي

الْبَابِ الْأَسْفَلِ»^۱

ما می گوئیم:

۱. دیلمی در «اعلام الدین»^۲ آخر روایت را «فی الدرک الاسفل من النار»

و صاحب وسائل به جای «درک»، «التابوت» ضبط کرده اند.^۳

۲. مرحوم خوئی درباره این روایت می نویسد:

« وَأَمَّا النَّبِيُّ الَّذِي رَوَاهُ الصَّدُوقُ، فَانَّهُ يَدُلُّ عَلَى حُرْمَةِ تَعْظِيمِ صَاحِبِ الْمَالِ وَاجْتِالِهِ طَمَعًا

فِي مَالِهِ، فَهُوَ بَعِيدٌ عَمَّا نَحْنُ فِيهِ»^۴

۳. موضوع این روایت «تعظیم و محبت همراه با طمع» است و لذا حرمت برای «تعظیم همراه با محبت و

همراه با طمع» ثابت شده است.

اما نکته مهم همان است که مرحوم خوئی مورد اشاره قرار دادند. یعنی این روایت متضمن عنوان «مدح

من لایستحق المدح» نیست. بلکه در این روایت، مدح صاحب دنیا (که مصداق تعظیم است مدح است

که اتفاقاً) می تواند «مدح من یستحق المدح» باشد. و لذا روایت مبین یک حکم اخلاقی است و به

نفس طمع اشاره دارد.

پس روایت «مدح صاحب دنیا» را بما هو صاحب دنیا و نه «بما هو لا یستحق المدح» مورد اشاره قرار

داده است.

۴. برای حرمت تعظیم صاحب مال، گفته شده است که طلب ورزی از صاحب دنیا روی گردانی از خداست

و به همین جهت حرام است.^۱

۱. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۸۱

۲. ص ۴۱۱

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۳۱

۴. مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۶۵۳





۵. اما حرمت تعظیم صاحب المال هم از این روایت قابل استفاده نیست چراکه:

اولاً: سند روایت مشتمل بر مجاهیل است و ضعیف دانسته شده است^۲

ثانیاً: هیچ فقیهی به این حرمت فتوا نداده است.

ثالثاً: روایت مشتمل بر عناوین دیگری هم هست که برخی از آنها مکروه است (مثل فراموش کردن عمدی آیات قرآن)

رابعاً: طلب رزق از غیر خدا حرام نیست.

۶. به همین جهت تنها می توان به حکم اخلاقی در این صور قائل شد. و چنانکه در جای خود گفته ایم، حکم اخلاقی یا به معنای کراهت است و یا به یک ادب اجتماعی اشاره دارد و یا توجه به استحباب لازمه‌ی آن دارد که همانا طلب روزی از خداست و کمال نفس می باشد (واستحباب شرعی دارد و از کمالات روحی است)

۱. المحاضرات فی الفقه الجعفری، ج ۱، ص ۴۵۰

۲. فقه الصادق، ج ۲۱، ص ۲۸۴